

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



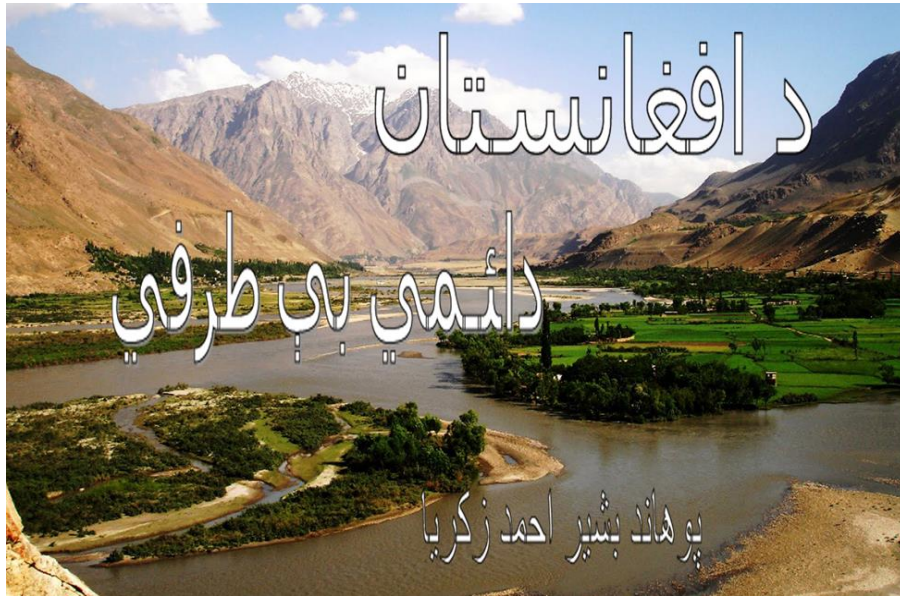
۲۰۱۹/۰۲/۱۳

پوهاند بشیر احمد زکریا
ترجمه: رحمت آریا

بی طرفی دائمی افغانستان

رساله تحقیقی

قسمت هشتم



د پاڼو شمېره: له ۱ تر ۵

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

نقشه سویتزرلند



Note: The cover page image and the map of Afghanistan and ethnical map of Switzerland are borrowed from Google.com. Thanks Google.

یادداشت: تصویر جلد کتاب، نقشه افغانستان و نقشه اتنیکی کشور سویتزرلند از گوگل دات کام عاریه شده اند. تشکر گوگل.

تهاجم مغول

افغانستان شناس شهیر امریکایی لوئیس دوپری *Louis Dupree* می گوید که هبوط چنگیز خان و لشکر وی بالای افغانستان درست مانند «بمب اتمی در عصر امروز بود.»^[۱] دوپری می افزاید که اگر بمب های اتمی، هیروشیما و ناگاساکی را از بیخ و بن کاملاً تخریب و ویران کرد ولی آن شهر ها دوباره اعمار شدند مگر افغانستان هرگز نتوانست تا بلخ را با همان ابهت و عظمت کهن آن که ام البلادش می خواندند دو باره اعمار نماید، ام البلادیکه کتابخانه های غنی و نفوس قریب بیک میلیون داشت. خان کبیر قریب بیک میلیون باشند بلخ را معدوم و شهر را به گرد و خاک ابدی مبدل ساخت، شهری که هنر و هنرمندان مختلف را از چهار گوشه جهان در آغوش خود جا داده بود. بقایای سائر اجتماعات و شهر های شکوهمند و مجلل تا کنون به مثابه بنا های یادگاری در افغانستان همچنان پا برجا اند، «مینار کله منار ها»، و شهر غلغله «شهر شیون» در بامیان مثال های آن اند، مادامیکه باد از فراز مخروطی های سنگ سان شده بنا های بزرگ محزونانه می گذرد، صدای شیون و ناله ای قریبانبان بخون شسته را، از قلب رنجور تاریخ آن عصر در پهنه دشت اطراف منعکس میکند! تو گویی شهر مخروب از دل کوه های قرنهای

¹ - Louis Dupree. Afghanistan. Princeton University Press, 1973, 1978, 1980. Princeton, NJ. ISBN 0-691-0300

& 0-691-00023-9 pbk.

د پانو شمیره: له ۲ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

غمگین، غلغله کنان شیون بر پا کرده و در نوحه های خویش همی گوید که زمانی این شهر، شهر سرور، دلشادی و رونق بود.

نویسنده امریکایی «ستیفن تنر *Stephen Tanner*» در کتاب خود در باب تاریخ نظامی در افغانستان در «فصل مغول» چنین می نگارد، «قبل از حمله بی امان مغول، محلات اجتماعی مسکونی هرگز چنین شیوه بخاک یکسان سازی و انهدام مرتب و منظم را نه دیده بودند، تنها در قرن بیستم بود که چنین شیوه بخاک یکسان سازی زندگی و زیربنا بصورت عمدی تکرار شد.»^[۲]



چنگیز خان پر هرج و مرج



شهر غلغله (بامیان)

زمانیکه به گوش محمد دوم از خوارزم، خیر تسخیر بیجینگ Beijing در رسید و باور شایعی که در بین لشکریان مغول موجود بود که گویا چنگیز «فاتح جهان» میشود، محمد دوم چنان دچار دلهره و هراس شد که تو گویی تازه واردین با ظهور شان بدنبال سقوط وی آمده اند! تا ایندم چنگیز خان دو شهر نگین - دست آسیای مرکزی، بخارا و سمرقند را تسخیر و بخاک یکسان ساخته و آتش زده بود، یک تعداد از لشکریان مغولی تحت قیادت فرزندان چنگیز

² - Tanner, Stephen. Afghanistan; A Military History from Alexander the Great to the War Against Taliban. Da Capo press/Perseus Books Group; 2002 and revision 2009: Chapter "The Mongols". p. 82

خان، نواحی شمالغرب را تسخیر و تا کرانه های جنوبی اوکراین دریای کلکا در اوکراین Ukraine تا سال ۱۲۲۳م پیشرفت کردند. چنگیز خان خودش در شمال افغانستان از طریق «تالقان Taliqan»، یک قلعه مستحکم در امتداد سرک بطرف بلخ و هرات به پیش آمد، در همینجا چنگیز خان با فرزند شهیرش تولی یکجا شد، تولی خان تازه بعد از تسخیر قفقاز و خراسان برگشته بود و هر دو پدر و فرزند بالای خوارزم در افغانستان یورش آوردند. بعد از مغلوب ساختن محمد دوم، چنگیز خان دست به تعقیب نمودن فرزند توانمند و با درایت محمد دوم، جلال الدین اکبر در افغانستان زد؛ وی به پیش بتاخت زیرا جلال الدین اکبر دست به تجمع تجدید قوا از اقوام کوه نشین زده بود که احفاد و اعقاب سائیتی ها، کوشانی ها، هون های سفید «ایفتلایتی ها Ephthalites»، خَلج ترکی و حتی مهاجرین یونانی بودند، و نیروی شصت هزار نفری را جمع آوری کرده بود. هر دو لشکر در پروان با هم مصاف دادند، جلال الدین از اراضی سنگی و کوهی، نیروی سواره خود را پیاده ساخت و ابری از تیر های تیر اندازان، تهاجم پیشروانه جبهه قدامی مهاجمین مغولی را تحت قومانده کوتکو به عقب راند و بعد نیروی سواره نظام دوباره سوار اسب های شان شده و دست به ضد حمله زدند، با این ضد حمله، ضلع چپ نیروی مهاجم کوتکو را غافلگیر ساخت که در نتیجه مغولیان با شتاب زاید الوصف از دره پروان عقب نشینی کردند. مهاجمین لشکر مغولی که وحشت زده و دست پاچه شده بودند در بین سنگ های سربه فلک کشیده از ترس تعقیب مدافعین اقوام افغان و ترک چنان در تنگنا گیر آمده بودند که یکی بالای دیگر افتیده بودند. تاریخ نویس امور نظامی تنر Tanner می نویسد، «در جنگ علیه خوارزم، پروان تنها میدان شکست مغولی ها در جنگ نه، بلکه در سائر جنگ های بیرون آسیای شرقی، این یگانه شکستی بود که طی هشتاد سال بعد از این جنگ دگر نه دیدند. چنگیز خان در جنب یک لشکر هفتاد هزار نفری وارد بامیان شد. شهر بامیان مقاومت نمود و پیگیرانه و شجاعانه از خود دفاع کرد. مادامیکه چنگیز خان دیوار های اطراف قلعه مستحکم شهر را بررسی میکرد، نواسه دلخواهش «مو، ابروکن» بوسیله تیری کشته شد، چنگیز محاصره را طی یک هفته خاتمه داد. شهر بامیان را یکسره محو و نابود ساخت و باشندگان شهر را بلا استثناء بشکل فجیعانه قتل عام کرد «بشمول حیوانات شان، و هیچ کس حق نداشت که بار دیگر در آنجا بار دیگر زندگی کند.» شهزاده جلال الدین توانست از امتداد کوه های سلیمان به دره اندس فرار کند. چنگیز خان با شدت و لگام گسیختگی تمام بدنیا لال الدین افتاد و با وی در امتداد دریای اندس در پنجاب مصاف داد. در طبیعه بامدادی روز بعد چنگیز خان با لشکر نیرومند خود در حالیکه نیروی ذخیره را در عقب خود داشت بر مرکز حمله آور شد. حینیکه چنگیز خان در مقابل خط الرأس جبهه عساکر دیگر انداخت و به جنرال خود «بیله نویان» امر کرد تا حمله قدامی را با تمام قوت آغاز نماید، قوماندان ترک تبار جلال الدین، «تیمیر ملک» جناح چپ لشکر چنگیز را به عقب زد. در همین موقع جلال الدین با ضد حمله تهاجمی خود بسوی نقطه مرکزی بتاخت تا در خط اول مغولی ها رخنه نماید زیرا سربازان «بیله نویان» در امتداد رأس خط از عقب بر وی یورش آورده بودند. در جناح چپ چنگیز خان شخصاً دست به ضد حمله تهاجمی دیگر زد. بدین ترتیب جلال الدین در بین دو لشکر مغولی گیر ماند، جلال الدین از بین انبوه جمعیت خود بدر آمد، زره خود را برکشید و اسب خود را به شدت هل داده و خود را به پرتگاه دریای اندس که بیست فیت ارتفاع داشت رساند و با اسبش خود را بدریا انداخت. چنگیز خان به این درجه تهور و شجاعت ارزش قایل شد و به سربازانش امر کرد تا دیگر به داخل دریا تیر اندازی نه کنند. «تیمیر ملک» خیلی زود دستگیر شد و سرش را از تنش جدا کردند. جلال الدین از تهله مرگ نجات یافت و چندین سال بعد دوباره ظهور کرد تا بار دگر جنگ را آغاز نماید. چنگیز خان در سال ۱۲۲۷م در اثر عوارض طبیعی جان داد و امپراتوری پنهانورش میان فرزندان منقسم شد؛ فرزند بزرگ وی «اوگه دی» جای خان کبیر را می گیرد، تولی شمال شرق آسیا را تصاحب می کند، آسیای غربی و روسیه به «بتو» هدیه میشود، و به جغتای بشمول افغانستان، امپراتوریهای خوارزم، کاره و کیتای داده میشود. [۳]، [۴].

متعاقب آن به تیمور لنگ «۱۳۳۶ - ۱۴۰۵م» می رسیم، تیمور لنگ در اوزبیکستان در شهر سبز چشم به جهان گشود که فرزند یک مغول پائین رتبه مشهور و یا سردار تاتاری بود، تیمور مدعی بود که از نسل خان کبیر می باشد. تیمور لنگ هم که مانند چنگیز خان به نام «خان کبیر» یاد میشد ولی ترجیح میداد که بنام «امیر کبیر» یاد شود، زیرا وی بدینگونه می خواست هویت اسلامی بخود اختیار کند. مراسم تاجگذاری تیمور لنگ در بلخ، افغانستان، در سال ۱۳۷۰م صورت گرفت. تیمور لنگ در مقایسه با سلف خود چنگیز خان بالای امپراتوری به مراتب پنهانتری حاکمیت می راند که در برگیرنده بلاد ماوراء النهر، ترکستان، افغانستان، فارس، سوریه، کردستان، بغداد، جورجیا و ترکیه بود. تیمور حتی مسکو را برای مدت یکسال نیز اشغال کرد. تیمور لنگ میخواست مانند چنگیز خان چین را هم فتح کند ولی در طول راه بیمار شد و در سیر دریا در اوتره جان داد. جالبتر اینکه فرزند تیمور لنگ پاپر که

³ - Ditto. Tanner, Stephen. Afghanistan Military History: 2009, p. 95

⁴ - Ditto. Tanner, Stephen. Afghanistan Military History: 2009, p.99

امپراتور هندوستان و افغانستان شد با بی بی مبارکه دختر شاه منصور عروسی کرد تا بخاطر اتحاد امپراتوری خود روابط خانوادگی با افغانها داشته باشد. بابر عاشق مردم بود؛ مناظر متباین طبیعی و اقلیم گوارای افغانستان بود تا بابر وصیت کند که او را در باغ مشهورش در کابل دفن نمایند. تنر می نویسد، «بنیاد گذار خانواده سلطنتی مغولی در هند، بابر، از زمان ظهور قدرتش تا اخیر مجبور بود در برابر افغان ها سخت ترین جنگهایش را به پیش ببرد.»^[۵]

پایان قسمت هشتم

[بی طرفی دائمی افغانستان, قسمت هفتم](#)

⁵ - Ditto. Tanner, Stephen. Da Capro Press; Revision 2009: (The Rise of Afghanistan), p. 109.

د پانو شمیره: له ۵ تر ۵

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ